

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بِنَمَا به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۳۵) بررسی و بیان

به آن آشنا گفتم:

- گویا از این به بعد من باید فقط شنونده باشم. ظاهراً دیگر حق ندارم پرسشی را مطرح کنم، چون ممکن است، همچون گفتگوهای قبلی مان، موجب پراکندگی سخن شما شود.

فرمود:

- بر عکس، شما، در مقام یک طرف این مکالمات، نه تنها ذیحق، بلکه موظف هستید تا، با سؤالات خود، نقاط ضعف و خلأهای موجود در کلام مرا نشان دهید.

من نیز گهگاه، در حین بررسی موضوعات و بیان نتایج آن، سعی خواهم کرد تا، با پرسش هایم، فکرتان را برای درک نکته یا نکات بعدی آماده نمایم.

پرسیدم:

- منظورتان از دو واژه بررسی و بیان چیست؟

فرمود:

- تقریباً همه دانسته های شما، از دل بررسی و بیان بیرون آمده اند.

تا آن جا که به همه انسان ها مربوط می شود، بررسی یک واژه عام است و هرگونه رسیدگی به یک موضوع، و تلاش و جستجو برای یافتن پاسخ برای پرسش های مربوط به آن، را در بر می گیرد.

اما بررسی و بیان، در معنای کلی آن، فعالیتی نیست که ویژه نوع انسان و یا گروه خاصی از انسان ها باشد.

به دیگر سخن، نه تنها همه انسان ها، همواره، برای بقا و رسیدن به کمال، به شکلی، به بررسی و بیان

می پردازند، بلکه حتی جانوران هم در طول زندگیشان چنین می کنند.

گفتم:

- لطفاً، در مورد آن چه فرمودید، بیشتر توضیح دهید.

سؤال کرد:

- آیا شما دوران خردسالی خود را به یاد می آورید؟

گفتم:

- تا اندازه ای. چه طور؟!

پرسید:

- چه چیزی شما را سرگرم می کرد؟

گفتم:

- من هم، همچون دیگر کودکان، بسیار کنجکاو بودم.

پرسید:

- موضوع کنجاوی تان دقیقاً چه بود؟

گفتم:

- تقریباً هر چیزی را که می دیدم نظرم را جلب می کرد و دلم می خواست، تا آن جا که می شد، در مورد آن

بیشتر بدانم و برای پرسش هایم در باره آن پاسخی پیدا کنم.

پرسید:

- چگونه به جواب سؤالاتان می رسیدید؟

گفتم:

- یا از دیگران می پرسیدم و یا خودم، با نگاه به محیط و واریسی چیزهای اطرافم، نکاتی را یاد می گرفتم.

پرسید:

- آن وقت با دانسته های خود چه می کردید؟

گفتم:

- به زبان بچه گانه و با شور و شوق، آن ها را برای دوستان هم سن و سال ام و یا حتی برای بزرگترها تعریف

می کردم.

فرمود:

- آن چه شما واریسی و تعریف می نامید، همان چیزی است که من به آن بررسی و بیان می گویم.

افزود:

- پروردگارِ حکیمِ مهربان، از سرِ لطف، این کنجاوی را در سرشتِ خردسالان قرار داده تا از این راه دانش و مهارتِ لازم برای زندگی در دورانِ بزرگسالی را بیاموزند.

آموزش و پرورشِ راستین باید بکوشد تا به این کنجاوی و میلِ به دانستنِ سَمَت و سو دَهَد، آن را ساماندهی کند، در آن روحِ خلاقیت و ابتکارِ بَدَمَد، و آن را به سطوحی بالاتر از بررسی و بیان ارتقاء بَخشد.

پرسید:

- آیا سرگرمیِ دیگری هم داشتید؟

گفتم:

- من هم، مثلِ همهٔ بچه ها، به بازی بسیار علاقمند بودم.

پرسید:

- چه نوع بازی ای را بیشتر دوست داشتید؟

گفتم:

- توپ بازی را .

پرسید:

- ممکن است بگویید چرا از میانِ انواعِ اسباب بازی، به توپ علاقمند بودید؟

پاسخ دادم:

- توپ، اسباب بازیِ محبوبِ همهٔ کودکان، مخصوصاً پسر بچه هاست.

حتی بچه گربه ها هم بازی با توپ را خیلی دوست دارند

بسیاری از ورزش‌های جمعی پُرفردار در دنیای بزرگسالان نیز با توپ انجام می‌شوند.

فرمود:

- بله. در دوران کودکی، عروسک برای دختران و توپ برای پسران، از جمله بهترین اسباب بازی‌ها محسوب

می‌شوند.

عروسک همدم یک دختر بچه است. برای او عروسک موجودی زنده است. با عروسک حرف می‌زند و رابطه

عاطفی عمیقی با آن دارد. گاهی هم برایش مادری می‌کند.

گفتم:

- من هم در خردسالی توپ را زنده می‌پنداشتم.

وقتی ضربه ای به آن می‌زدم، **قهر** می‌کرد، دوان دوان می‌گریخت و از من فاصله می‌گرفت.

ولی وقتی به شدت به مانعی برخورد می‌کرد، بر می‌گشت، به خود من پناه می‌آورد و با من آشتی

می‌کرد.

فرمود:

- بازی با توپ برای کودکانی که در سن رشد هستند بسیار مفید است، زیرا سطح مهارت‌های حرکتی

دست و پا و بدن را در ایشان بالا می‌برد. برای آن‌ها، در طول عمرشان، این مهارت‌ها بسیار لازم اند وگرنه به

موجوداتی بی‌دست و پا تبدیل می‌شوند.

افزود:

- ضمناً توپ، امکان اجرای بسیاری از بازی‌های دسته جمعی را فراهم می‌سازد

این یادگیریِ کارِ جمعی هم یکی دیگر از مهارت های مهمِ زندگی است؛ به شرط آن که به رقابت های کینه توزانه آلوده نشود.

گفتم:

- حتی وقتی همبازی نداشتم، برای من توپ بازی کارِ بسیار سرگرم کننده ای بود. به شیوه های مختلف توپ را به دیوار می زدم و نگاه می کردم ببینم که چگونه به سوی من باز می گردد. در این کار چنان مهارت پیدا کرده بودم که به خوبی می دانستم که با چه شدتی و با چه زاویه ای آن را به کجای دیوار بزنم تا در مسیر بازگشت در نقطه معینی فرود بیاید.

پرسید:

- آیا دوست داشتید دیگران شاهد این هنرنمایی های شما باشند؟

گفتم:

- خیلی زیاد.

حتی اگر کسی شاهد بازی ام نبود، بعداً با شور و شوق و افتخار، و به زبانی کودکانه، کارهای انجام شده و نتایج آن ها را برای همسن و سال هایم و بزرگتر ها تعریف می کردم.

فرمود:

- یعنی بررسی می کردید که توپ در برابر شدتِ ضربه و زاویه پرتاب چگونه واکنش نشان می دهد و نتیجه این بررسی ها را، به زبان ساده کودکانه، برای دیگران بیان می کردید.

گفتم:

- بله دقیقاً. کارم شکلی ساده و کودکانه از بررسی و بیان بود.

فرمود:

- فراموش نکنید که این نیز جلوه ای دیگر از **لطفِ پروردگارِ حکیمِ مهربان** است که خردسالان را **فطرتاً** علاقمند به بازی های جسمی و فکری آفریده است تا از این راه، **مهارت های ذهنی و حرکتی لازم** برای زندگی در دوران بزرگسالی را فراگیرند.

ادامه داد:

- مهم آن که، بررسی و بیان در **سطوح** مختلف صورت می گیرد.
حتی **جوامع بشری** را می توان از این نظر رده بندی کرد.

ساده ترین نوع بررسی و بیان، **شکلِ غریزی** آن است که در همه جانوران و انسان ها مشترک است.
به عنوان مثال، **زنبورهایِ عسل**، پس از **کشفِ محلِ گل** ها، به **کندوی** شان بر می گردند و با **زبانِ حرکات**، **اطلاعاتِ** مربوط به **بوته هایِ گل**، و **نشانیِ محلِ آن** ها، را به **"همکاران"** خود می دهند.
این نمونه ای از **شکلِ غریزیِ بررسی و بیان** در **عالمِ جانوران** است.

افزود:

- گرچه **جانوران**، **آدمیان** در **سنینِ خردسالی**، و **اعضایِ ساده ترین جوامع بشری** در **سطحیِ غریزی** به بررسی و بیان می پردازند،
اما **اینان**، **تدریجاً** و **پا به پای** رشد شان، در **شرایطِ عادیِ زندگی**، **عمدتاً** با **اتکاء** به **حواس**، به **اشکالِ متعارف** از بررسی و بیان روی می آورند.

بالتر از این سطح متعارف، نوعی بررسی قرار دارد که با شیوه‌ای حساب شده و عقلانی، کار رسیدگی برای رسیدن به پاسخ برای یک پرسش معین را دنبال می‌کند. این نوع بررسی پژوهش نام دارد و توسط پژوهشگران و دانشمندان انجام می‌شود.

ولی

بالاترین سطح بررسی، تحقیق نامیده می‌شود.

تحقیق، همان گونه که از این واژه بر می‌آید، نوع خاصی از پژوهش است که هدف از آن دستیابی به حقایق است.

این کار، به امر و به اذن "او"، و تنها به دست انسان‌های برگزیده اش صورت می‌گیرد.

در ادامه فرمود:

- هر یک از این انواع بررسی، روش اجرا ی معینی دارد.

و نیز

ارائه نتایج هر یک از این انواع بررسی، شیوه بیان خاص خود را می‌طلبد.

پرسیدم:

- از این به بعد، ما در مکالمات مان، با کدام یک از این انواع بررسی سرو کار خواهیم داشت؟

فرمود:

- از آن جا که گفتگوهای ما در باره ساحت حقایق است، پس کار ما از نوع تحقیق خواهد بود.

به خاطر داشته باشید که

هر گونه بررسی را نمی توان تحقیق نامید،

تحقیق، نوع خاصی از بررسی، و دارای جایگاهی بسیار فراتر از پژوهش های رایج علمی درباره

واقعیات، است.

هدف از تحقیق دستیابی به حقایق است.

افزود:

- گرچه ما در گفته های خود، برای سهولت فهم، انواع بررسی و بیان را در سطوح مختلف طبقه بندی

می کنیم، ولی نباید این نکته مهم را فراموش کرد که، در حقیقت،

قدرت خداوند در تمامی پدیده های هستی به یک اندازه متجلی است

منتها ناظران، در شرایط گوناگون و نیز نسبت به یکدیگر، برای مشاهده، درک، و وصف مظاهر قدرت "او"،

از اذن و امر برابر یا یکسان برخوردار نیستند.

ادامه دارد